ادامه از صفحه ۴

اثرات شیوع کرونا بر کسب‌وکارهای خرد، کوچک و متوسط در جهان و ایران

ج. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در ۱۵ روز ابتدایی سال ۱۳۹۹ مطالعه پیمایشی را روی ۴۶۵ هزار مالک یا مدیر واحدهای تولیدی صنفی در ۸ خوشه صنفی منتخب دارای پروانه انجام داد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بیشترین میزان کاهش فعالیت و تولید اصناف مورد مطالعه نسبت به پاییز سال ۹۸ به‌ترتیب مربوط به حوزه تحریر و چاپ (۲۴ درصد)، کیف و کفش (۲۰ درصد) و خدمات (۱۵ درصد) بوده است. درخصوص اشتغال نیز بیشترین کاهش متعلق به حوزه غذایی (۸ درصد)، نساجی و پوشاک (۷ درصد) بوده است. همچنین از نظر میزان فروش نیز در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۸ نسبت به مدت مشابه سال قبل، کاهش فروش در همه حوزه‌های کاری، شدید و بین ۶۷ تا ۹۸ درصد بوده است. در اوایل سال جاری، دولت بسته حمایتی معادل ۴۰ هزار میلیارد تومان برای حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از کرونا در نظر گرفت که با چند بار بازنگری، این مبلغ به ۷۵ هزار میلیارد تومان رسید. تاکنون ۱۴ گروه کسب‌وکار (بیش از یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار بنگاه) تحت پوشش این بسته حمایتی قرار گرفته‌اند که پس از ثبت‌نام متقاضیان در «سامانه کارا» به تفکیک رسته‌های ۱۴گانه مصوب، در صورت تشخیص واجد شرایط بودن به آنها وام تعلق می‌گیرد. طبق آخرین آمارها (۲۲ تیر ۱۳۹۹)، از بین ۴۰۷ هزار واحد متقاضی، ۱۳۴ هزار واحد انتخاب و به بانک‌های عامل معرفی شده‌اند که تاکنون پنج‌هزارو ۵۵۰ واحد بالغ بر ۵۷۵ میلیارد ریال تسهیلات دریافت کرده‌اند.

پیشنهادهایی برای ایران

بدون‌تردید، پیش‌بینی شرایط برای آینده شرکت‌های کوچک و متوسط مبهم و دشوار است؛ ازاین‌رو حمایت و کمک دولت‌ها برای ادامه فعالیت این‌گونه واحدها ضروری است. درعین‌حال باید به این مهم توجه شود که همه‌گیری و رکود خود می‌تواند محرک نوآوری و خلاقیت باشد. در واکنش به این بحران، دولت‌ها باید سهم کارآفرینی و ظرفیت شرکت‌های کوچک و متوسط را در نظر بگیرند و اقدامات لازم را برای افزایش تاب‌آوری این کسب‌وکارها مدنظر قرار دهند. مهم‌ترین راه‌حل‌های پیشنهادی برای جبران بخشی از خسارت ناشی از کرونا در این حوزه عبارت‌اند از: ۱- ایجاد سازوکاری در یکی از نهادهای متولی این کسب‌وکارها (شامل اصناف، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط) برای ارزیابی میزان خسارات وارده و برنامه‌ریزی برای کمک به منظور افزایش تاب‌آوری این کسب‌وکارها در شرایط پساکرونا. ۲- پشتیبانی مالی از اصناف و کسب‌وکارهای کوچک برای کاهش تبعات اقتصادی و اجتماعی شیوع کرونا:

■ اتخاذ سیاست‌های هدفمندتر برای انتقال مستقیم اعتبارات به کسب‌وکارهای خرد، کوچک و متوسط آسیب‌دیده از کرونا.

■ تسهیل در پرداخت کمک و حمایت مالی اصناف مشمول برای کاهش تبعات بی‌کاری.

■ ایجاد یک صندوق اضطراری برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک با هدف تشویق این واحدها برای حفظ نیروی انسانی خود. ۳- برنامه‌ریزی برای تحت پوشش درآوردن اصناف فاقد پروانه کسب در راستای کاهش تبعات اقتصادی و اجتماعی کرونا در کشور. ۴- حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به منظور ارتقای انعطاف‌پذیری و قابلیت‌های آنها در راستای به‌کارگیری فناوری‌های نوین و تسریع در دیجیتالی‌شدن و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه کسب‌وکارهای اینترنتی. ۵- کمک به بهبود و ارتقای شرایط بهداشتی در کسب‌وکارهای خرد، کوچک و متوسط با هدف کمک به تداوم فعالیت آنها توسط مراجع ذی‌ربط. ۶- ایجاد زیرساخت‌ها و شرایط لازم برای گسترش کار از راه دور یا دورکاری در کشور، خصوصا برای کارکنان دولتی فاقد ارباب‌رجوع. ۷- اکمال و بازنگری در طبقات و رسته‌های صنفی ۱۴گانه مورد حمایت دولت در سامانه کارا. ۸- تمدید مجدد مهلت زمانی ثبت‌نام در سامانه کارا برای دریافت تسهیلات بنگاه‌های آسیب‌دیده از کرونا ضمن تخصیص مجدد منابع سامانه با توجه به گسترش موج جدید و شیوع بیشتر همه‌گیری.

با آب‌گیری سد کمال‌خان در افغانستان با همکاری ترکیه

دریاچه هامون ایران خشک می‌شود

لیلا مرگن

«آب ما باید مهار شود و در اختیار ما قرار گیرد»، «سد کمال‌خان هدف است»، «سد کمال‌خان برای ما ابزار است»، «سد کمال‌خان بعد از سلما، بعد از کجکی، بعد از بخش آباد و سلسه سدهای ما است، آب ما هدر نخواهد رفت». اینها جملات اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان در جریان بازدید از سد کمال‌خان است که در بالادست ایران قرار گرفته است. او به‌صراحت با این جملات، بین‌المللی‌بودن رودخانه هیرمند را نقض می‌کند و به تعهدات بین‌المللی پشت پا می‌زند؛ اما سخنانش بدون هیچ واکنشی از سوی وزارتخانه‌های امور خارجه و نیرو و حتی مجامع بین‌المللی به فراموشی سپرده می‌شود؛ درحالی‌که اگر هر کشور دیگری جای ایران بود، بدون‌شک نهادهای بین‌المللی با دادن یک اخطار به نقض‌کننده این قوانین، سکوت کامل اختیار نمی‌کرد. حالا سد کمال‌خان آب‌گیری شده تا همان سیلاب‌هایی که تالاب هامون را پر می‌کرد و به کشاورزی سیستان رونق می‌داد، دیگر به سمت ایران نیاید. حجت میان‌آبادی، دکترای مدیریت منابع آب، هیدروپلیتیک و دیپلماسی آب از دانشگاه صنعتی دلفت هلند و استادیار دانشگاه تربیت مدرس، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید که دکترین عمق استراتژیک ترکیه با توهم توسعه، برنامه‌هایی برای منابع آبی افغانستان دارد که تبعات آن مستقیما دامن‌گیر ایران می‌شود و به مهاجرت‌های گسترده از جنوب شرق کشور دامن می‌زند. مشروح گفت‌وگو با حجت میان‌آبادی در ادامه می‌آید.

سد کمال‌خان با چه هدفی در افغانستان ساخته شده است؟

سد کمال‌خان بعد از سد کجکی بزرگ‌ترین سد بر روی هیرمند است. سال ۱۹۹۶ افغانستان رسما اعلام کرد که دوباره شروع به ساخت این سد خواهد کرد. فاز دوم سد، سال ۲۰۱۵ تکمیل شد و افغانستان از سال ۲۰۱۷ شروع به تکمیل فاز سه آن کرد. اواخر امسال اعلام رسمی شد که این پروژه شروع به آب‌گیری شده است. هدف اصلی این سد، کنترل سیل و توسعه اراضی کشاورزی است. افغانستان قصد دارد سطح زیر کشت کشاورزی در ولایت نیمروز را از ۸۰ هزار هکتار فعلی به ۱۷۰ هزار هکتار افزایش دهد. به جز این، مسئولان این کشور تولید ۹.۵ مگاوات انرژی برقابی را هم مدنظر دارند. یکی از مسائل جدی بین ایران و افغانستان رعایت‌نکردن حقابه زیست‌محیطی تالاب‌های هامون و برداشت آب از هیرمند است. یکی از اثرات سوء ساخت سد کمال‌خان، بحث توسعه کشاورزی است. در توسعه کشاورزی افغانستان مسائل زیست‌محیطی در نظر گرفته نشده است. برای مثال میزان کشت خشخاش در افغانستان از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ تقریبا ۶۳ درصد افزایش پیدا کرده است و طبق آمار UNODC سطح زیر کشت به ۳۲۸ هزار هکتار رسیده است. نکته مهم‌تر اینکه بیشترین کشت خشخاش را تقریبا در دو ولایت هلمند و قندهار داریم که بیشترین میزان کشت خشخاش در کل افغانستان را دارد. هر دو ولایت در حوضه آبریز هیرمند است. براساس آمار ۲۰۱۸ سازمان ملل، کشت خشخاش در هلمند در این سال، ۱۳۷ هزار هکتار بوده است که اگر این سطح را با کابل مقایسه کنیم که سطح زیر کشت آن تقریبا ۴۸۰ هکتار است، متوجه عمق فاجعه می‌شویم.

از آب سد کمال‌خان برای توسعه کشت خشخاش استفاده خواهد شد؟

دولت‌سازی در افغانستان این‌قدر پررنگ نیست که بگوید اجازه کشت خشخاش نمی‌دهم. بخش بالایی از آب هیرمند، صرف کشت خشخاش می‌شود که گیاهی تقریبا آب‌بر است. به جز اثرات انسانی و امنیتی این گیاه، بحث آب‌بری آن خیلی مهم است. در افغانستان خشخاش به صورت آبی کشت می‌شود. توسعه کشاورزی می‌تواند چالش‌های خیلی جدی داشته باشد.

سرمایه‌گذار سد کمال‌خان خود افغانستان بوده است؟

بله، بودجه ساخت این سد نزدیک به ۸۰ میلیون دلار است. شرکت مجری نیز شرکت موسوم به «پمکتک» ترکیه است. حضور پررنگ ترکیه به‌عنوان کشوری که توهم نوعثمانی‌گری دارد، در افغانستان مشهود است. این کشور برنامه جدی دارد که از آب برای توسعه نفوذ خود در کشورهای همسایه استفاده کند. ترکیه نقشی جدی در سدسازی افغانستان و مسائل آبی این کشور بازی می‌کند و بازی خواهد کرد. این کشور برنامه‌های گسترده‌ای از نظر فرهنگی برای حوزه نفوذ در افغانستان تعریف کرده است. به اختلاف شدید بین ایران و افغانستان و ایجاد فضاهایی که اردوغان را منجی افغانستان معرفی می‌کند، در برخی رسانه‌ها، از سوی خبرگان افغانستان دامن زده می‌شود. ترکیه دکترین عمق استراتژیک دارد و از این دکترین برای کشورهای همسایه و غیرهمسایه استفاده می‌کند. برنامه‌های جدی در این زمینه دارد و یکی از این برنامه‌ها استفاده از ابزار آب برای نفوذ در افغانستان با توهم توسعه و توهم احیای امپراتوری نوعثمانی است.

آب‌گیری سد کمال‌خان چه تأثیری بر ایران دارد؟ آیا این سد باعث می‌شود همان سیلاب‌هایی که قبلا وارد ایران می‌شد، دیگر به کشور وارد نشود؟

وقتی بحث سدسازی‌های افغانستان مطرح می‌شود، چه در حوزه هیرمند و چه هریرود، یقینا این اقدامات به سد کمال‌خان ختم نخواهد شد. افغانستان سدهای متعددی عمدتا در سرشاخه‌هایی که منبع اصلی تغذیه‌کننده تالاب هامون هستند، می‌سازد. فراه و بخش آباد دو سرشاخه مهم و حیاتی برای زنده‌بودن تالاب‌های بین‌المللی هامون بودند که مشمول ساخت پروژه‌های آبی شدند. نباید سدسازی افغانستان را محدود به کمال‌خان کنیم و اشتباهی را که در بحث سد ایلیسو و پروژه گاپ ترکیه ایجاد شد، بار دیگر تکرار کنیم. در آن مورد تمرکز بر سد ایلیسو باعث شد از ۹ اَبَرپروژه سدسازی ترکیه غفلت کنیم. کمال‌خان اثرات متعددی بر پایین‌دست دارد. تالاب بین‌المللی هامون که یک تالاب ثبت‌شده در کنوانسیون رامسر و دارای ارزش حیاتی، انسانی و فرهنگی است، وابسته به سیلاب‌هایی بود که از هیرمند می‌آمد و تالاب‌ها را تغذیه می‌کرد. یک هدف اصلی سد کمال‌خان، کنترل همین سیلاب‌هاست. این مسئله حیات تالاب هامون را به خطر می‌اندازد. تعاملات آبی ایران و افغانستان به بیش از دو قرن برمی‌گردد. ۵۰ یا ۶۰ سال پیش که رایزنی برای معاهده هیرمند در جریان بود، مسائل زیست‌محیطی مسئله مهمی نبودند؛ حتی در تاریخچه و اسناد مذاکرات داریم که کشور میانجیگری که برای داوری بین ایران و افغانستان آمد، حقابه تالاب‌های هامون را به‌عنوان هدررفت آب مطرح می‌کرد. درنظرنگرفتن حقابه برای تالاب به یک چالش بزرگ برای منطقه تبدیل شده است.

ایران و افغانستان مذاکراتی داشتند و قرار بود حقابه‌ای برای هامون در نظر گرفته شود. مذاکرات به نتیجه‌ای رسید؟

هنوز این مذاکرات به نتیجه نرسیده است. حداقل درباره خروجی آن اطلاع‌رسانی نشده است. شاید بهتر بود مسئولان اجرائی این قضیه درباره پیشبرد این مذاکرات و نتایج آن مسائلی را بگویند و اعلام کنند که بحث حقابه تالاب‌های هامون چه شد. اولین اثر آب‌گیری سد کمال‌خان بحث حذف سیلاب‌هایی است که در زبان محلی به آن دشتمال گفته می‌شود. این سیلاب‌ها عامل اصلی حیات هامون است. جریان‌های زیست‌محیطی رودخانه هم بحث مهمی است که با احداث سد، دچار چالش جدی می‌شود. در مطالعات ساخت سد نه شرکت مشاور و نه شرکت ترکیه‌ای خود را ملزم به رعایت مسائل زیست‌محیطی نکرده‌اند. ازآنجاکه در کشور افغانستان بحث میل شدید به توسعه با رویکردهای غلط (به نظر من) حاکم است، مسائل زیست‌محیطی هیچ جایگاهی در برنامه‌های توسعه افغانستان ندارد. مصداق بارز رویکردهای غلط توسعه در افغانستان -که بحث مفصل‌تری را می‌طلبد- برداشت‌های بسیار گسترده از آب زیرزمینی در حوضه‌های مختلف به‌خصوص در شهرهای نزدیک به شهر کابل است. اگرچه کابل در حوضه آبریز هیرمند قرار ندارد اما افت سالانه بیش از یک متر از سطح آب زیرزمینی این حوضه، نشان می‌دهد که رویکرد توسعه در افغانستان به‌هیچ‌عنوان با مسائل زیست‌محیطی همخوان نیست. طبیعی است که تبعات زیست‌محیطی سدسازی برای کشورهای دیگر هم برای افغانستان مهم نباشد. سرمایه‌گذاری‌هایی که کشورهای دیگر در افغانستان می‌کنند، می‌تواند ابهامات جدی ایجاد کند. سد کمال‌خان اثرات انسانی هم دارد. با عدم رعایت حقابه رودخانه و تالاب هامون، شاهد افزایش گرد و غبار شدید در منطقه و به‌خطرافتادن سلامت و امنیت انسانی جنوب شرق کشور خواهیم بود که مصداق بازر بحث آسیب‌رسانی جدی به پایین‌دست است. در کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌عنوان اصل عرفی، کشورهای بالادست را از هر اقدامی که باعث آسیب‌رسانی جدی به کشورهای پایین‌دست می‌شود، منع می‌کنند. مسئله بعدی اقتصادی است. ازآنجاکه کشاورزی اصلی‌ترین فعالیت برای حیات در منطقه است، بلاشک قطع این جریان و محدودیت منابع آبی برای مصارف کشاورزی، آسیب جدی به مردم بومی منطقه می‌زند و می‌تواند منجر به آسیب‌های انسانی شدید، مهاجرت‌های گسترده و تخلیه مناطق مرزی کشور شود.

> **مهم‌ترین راهکار دیپلماتیک، شفاف‌شدن دغدغه‌ها و شبکه مسائل مشترک برای دو کشور است. ما اگر از دیپلماسی آب دم می‌زنیم، اولین قدم شفاف‌کردن واقعیت‌ها و شناخت واقعی مسائل است. با توجه به کنوانسیون‌ها و پیشنهاد نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، اولین قدم کوچک، انجام مطالعات مشترک بین دو کشور و انجام ارزیابی زیست‌محیطی مشترک توسط دو کشور است که به‌صورت مشارکتی دغدغه‌های طرفین در مذاکرات مختلف مرتفع شود و توافق صورت بگیرد**

کشورهای دیگر در توسعه پروژه‌های آبی افغانستان چه نقشی دارند؟

مسئله دیگری که درباره افغانستان خیلی پررنگ است این است که متأسفانه مقامات افغانستان از این مسئله غافل هستند که آب به ابزار سیاسی تبدیل شده است. کشورهای دیگر با تسلط بر منابع آبی افغانستان و با ایجاد توهم و تصور توسعه در این کشور، سعی می‌کنند حوزه نفوذ خود را در افغانستان افزایش دهند. اقدامات هند و اقدامات گسترده ترکیه نشان از این دارد که کشورهای مختلف برای نفوذ در افغانستان از منابع آبی این کشور استفاده می‌کنند که این سبک از توسعه در میان‌مدت به دلیل عدم رعایت مسائل زیست‌محیطی و هیدروپلیتیکی به ضرر مردم افغانستان و بعد از آن به ضرر کشورهای پایین‌دست ختم خواهد شد. بنابراین مناسب است که مسئولان افغانستان این مسئله را حتما مد نظر قرار دهند که دخالت‌های کشورهای دیگر برای انجام مسائل مختلف در حوزه آب افغانستان نه برای دلسوزی بلکه برای اختلاف‌افکنی و پیگیری نفوذ سیاسی همچنین تسلط خود بر افغانستان است.

افغانستان بالادست سد دوستی به‌عنوان مهم‌ترین سد تأمین‌کننده آب مشهد، اجرای سد پاشدان را در دستور کار دارد. ساخت این سد چه تأثیری بر امنیت آبی شمال شرق کشور خواهد داشت؟

سد پاشدان یکی از مجموعه سدهایی است که افغانستان بر بالادست هیرمند احداث می‌کند. این سد مشابه سایر سدهای این کشور، مطالعات زیست‌محیطی ندارد و نکته مهم این است که ۶۰ درصد این سد تکمیل شده است. آب‌گیری این سد اثرات جدی بر شمال شرق کشور خواهد داشت. کلان‌شهری مثل مشهد که جزء حوضه آبریز هریرود محسوب می‌شود و از نظر حقوق بین‌الملل و کنوانسیوهای بین‌المللی آب‌های فرامرزی، این شهر از رودخانه هریرود دارای حقابه است اما افغانستان و ایران هیچ قراردادی بر سر هریرود ندارند و اقدامات افغانستان در این حوزه یقینا چالش‌هایی جدی برای منطقه شمال شرق کشور ایجاد می‌کند. به خصوص در بحث امنیت آب شرب و آبی که مستقیما به امنیت انسانی وابسته است، دچار مشکل می‌شویم و چالش‌هایی در بخش کشاورزی ایجاد می‌کند زیرا در ساخت این سد هیچ‌یک از اصول و مبانی کنوانسیون‌های بین‌المللی دیده نشده است.

برای جلوگیری از اقدامات افغانستان راهکار دیپلماتیکی وجود دارد؟

مهم‌ترین راهکار دیپلماتیک، شفاف‌شدن دغدغه‌ها و شبکه مسائل مشترک برای دو کشور است. ما اگر از دیپلماسی آب دم می‌زنیم، اولین قدم شفاف‌کردن واقعیت‌ها و شناخت واقعی مسائل است. با توجه به کنوانسیون‌ها و پیشنهاد نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، اولین قدم کوچک، انجام مطالعات مشترک بین دو کشور و انجام ارزیابی زیست‌محیطی مشترک توسط دو کشور است که به‌صورت مشارکتی دغدغه‌های طرفین در مذاکرات مختلف مرتفع شود و توافق صورت بگیرد. بعید می‌دانم ملت افغانستان و بعضا دولت افغانستان در صورت آگاهی از تبعات غیرانسانی ساخت سد کمال‌خان بر مردم پایین‌دست سد که پیمان‌ها و قرابت‌های خونی، فرهنگی و تاریخی بسیار جدی با مردم سیستان‌وبلوچستان دارند، حاضر باشند چشمشان را بر تبعات شدید انسانی پایین‌دست ببندند و نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. مسئله دوم این است که مکرر هم گفته‌ام مسئولان دو کشور باید مسئله سیستان بزرگ را در نظر بگیرند. هر طرح توسعه‌ای در افغانستان و ایران بدون در نظر گرفتن سیستان بزرگ امکان‌پذیر نیست. سیستان بزرگ قسمتی از خاک ایران و افغانستان را شامل می‌شود. مقامات دو کشور باید فارغ از خط و مرزهای سیاسی فرضی، به این برسند که پایداری منطقه به‌جز توسعه هم‌زمان در دو کشور، امکان‌پذیر نیست. بستن آب برای توسعه یک قسمت و ندیدن پایین‌دست یقینا تبعاتی را دامن‌گیر مردم خود افغانستان هم خواهد کرد. سرمایه‌گذاری گسترده برای توسعه سیستان در سمت ایران، بدون دیدن نیازها و چالش‌های سمت افغانستان، بحث توسعه و پیشرفت پایدار در سیستان را رقم نخواهد زد.

در تاریخ سیستان هر موقع سیستان قد علم کرده است، سیستان بزرگ به‌صورت کامل به پایداری و ثبات رسیده است. در سمت سیستان افغانستان پتانسیل‌ها و فرصت‌هایی هست که سمت ایران از آن کم‌بهره است و در ایران هم فرصت‌هایی است که در سمت افغانستان وجود ندارد. هم‌افزایی این فرصت‌ها باعث پیشرفت چشمگیر خواهد شد. در تاریخ همیشه سیستان بزرگ را محور توسعه قرار داده‌اند؛ از زمانی که انگلیسی‌ها آمدند و خط مرزی کشیدند، نگاه بخشی‌نگر نه‌تنها منجر به توسعه هیچ‌یک از بخش‌های سیستان ایران و افغانستان نشد و توسعه به ارمغان نیاورد بلکه چالش‌های دو منطقه را بیشتر کرد.

گزارش

تمهیدات ویژه برای ایام پیک کرونا

سقف کارت‌به‌کارت ۱۰ میلیون تومان شد

● تمهیدات ویژه بانک مرکزی با هدف کاهش مراجعات حضوری به شعب بانک‌ها در راستای مقابله با شیوع ویروس کرونا به شبکه بانکی ابلاغ شد. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی در این بخش‌نامه آمده است: با عنایت به شرایط خاص بهداشتی کشور و موج سوم کرونا و در راستای مدیریت کنترل و پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و کاهش مراجعات مردم به شعب بانک‌ها ضروری است دستور فرمایید موارد زیر با اولویت آنی در دستور کار آن بانک قرار گرفته و بر رعایت آن نظارت دقیق به عمل آید:

- سقف انتقال وجه کارت‌به‌کارت شتابی و درون‌بانکی از مبدأ هر کارت به صد میلیون ریال در هر روز افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است میزان کارمزد انتقال وجه بیش از ۳۰ میلیون ریال به صورت پلکانی لحاظ خواهد شد. سقف مجاز انتقال وجه کارت‌به‌کارت از طریق پرداخت سازها از ۱۰ میلیون ریال به ۳۰ میلیون ریال با حصول اطمینان از انطباق شماره ملی دارنده کارت و شماره ملی دارنده سیم‌کارت انجام‌دهنده تراکنش قابل افزایش است. با توجه به خطرات ناشی از سوء استفاده‌های احتمالی در صورت عدم اعمال کنترل فوق، افزایش سقف انتقال وجه مجاز نیست. لازم به ذکر است در صورت پیوستن به بانک‌ها و پرداخت سازها به هاب فناوران مالی این سقف می‌تواند تا مبلغ ۵۰ میلیون ریال افزایش یابد. امکان تمدید تاریخ انقضای کارت‌های بانکی بدون نیاز به مراجعه حضوری مشتری تا پایان سال ۹۹ و به مدت یک سال بلامانع است. ضروری است اقدامات لازم برای احراز هویت غیرحضوری و اطلاع‌رسانی به مشتریان صورت گیرد.

-سقف صدور کارت هدیه تا اطلاع ثانوی و به صورت موقت به ۲۰ میلیون ریال افزایش یابد.

-ضروری است فرایندهای افتتاح حساب و دریافت تسهیلات در راستای کاهش زمان حضور مشتریان در شعب اصلاح شود و مشتریان بتوانند تمام اقدامات لازم نظیر تکمیل فرم‌ها را به صورت غیرحضوری انجام دهند و پس از مراجعه حضوری صرفا برای احراز هویت و با صرف حداقل زمان در کوتاه‌ترین زمان ممکن امور مربوط به پایان رسد.

خبر

جزئیات جدید از میزان انتشار اوراق بدهی توسط دولت

● خزانه‌داری کل کشور برای تأمین مالی بودجه در مجموع ۱۱۲هزارو ۴۳۸ میلیارد تومان شامل ۷۵هزارو ۷۳۸ میلیارد تومان به صورت عرضه نقدی و ۳۶هزارو ۷۰۰ میلیارد تومان در قالب اسناد خزانه اسلامی منتشر کرده است. به گزارش تسنیم، بیست‌وپنجمین هفته حراج اوراق مالی اسلامی منتهی به مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۸ برگزار شد که در آن پس از اخذ سفارش‌های خرید اوراق از متقاضیان در سامانه‌های بازار بین بانکی کارگزاری بانک مرکزی و مظنه‌یابی شرکت مدیریت فناوری بورس تهران، ۵۶۵,۲ میلیارد تومان اوراق به فروش رسید. خزانه‌داری کل کشور در ماه‌های اخیر نسبت به انتشار و عرضه اوراق بهادار دولتی با استفاده از روش‌های مختلف ازجمله انتشار اسناد خزانه اسلامی و برگزاری ۲۵ هفته حراج اوراق بدهی میان بانک‌ها، مؤسسات اعتباری غیربانکی و نهادهای مالی فعال در بازار سرمایه (از قبیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تأمین مالی) و سه مرحله پذیره‌نویسی اوراق از طریق کارگزاری بانک مرکزی و سیستم مظنه‌یابی شرکت مدیریت فناوری بورس تهران اقدام کرده است. در راستای تأمین مالی بهینه در هفته جاری، بیست‌وپنجمین هفته حراج اوراق بدهی و متعهد پذیره‌نویسی اوراق مالی اسلامی در تاریخ‌های ۱۳۹۹/۰۸/۲۷ و ۱۳۹۹/۰۸/۲۸ برگزار شد که پس از اخذ سفارش‌های خرید اوراق از متقاضیان یادشده در سامانه‌های بازار بین بانکی کارگزاری بانک مرکزی و مظنه‌یابی شرکت مدیریت فناوری بورس تهران، در مجموع پنج‌هزارو ۶۵۲ میلیارد تومان اوراق به فروش رسید.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

شماره مجوز: ۱۳۹۹.۴۷۵۵

نوبت دوم

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید.

شماره تقاضا و مناقصه	مناقصه ۹۹/۰۷۰ تقاضای شماره MR– ۹۸۴۰۰۷۵	
شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید ELBOWS	
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	● مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	● برآورد مناقصه: ۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد	
تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط	۱۳۹۹/۱۰/۱۵	تاریخ گشایش پاکات فنی: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۱۳۹۹/۱۱/۳۰	تاریخ گشایش پاکات مالی: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳
آدرس و تلفن مناقصه گزار	استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، پالایشگاه فاز ۲و۳ مدیریت بازرگانی، واحد خرید تلفن: ۵۴و۳۱۳۱۲۲۵۱–۰۷۷ ، فکس: ۳۷۳۲۵۴۳۵–۰۷۷	

مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن های ۰۷۷۳۱۳۱۲۲۵۱ و ۰۷۷۳۱۳۱۲۲۵۴ تماس حاصل فرمایند

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت توزیع نیروی برق استان فارس (سهامی خاص)

آگهی مزایده عمومی یک مرحله ای (شماره ۶۹–۹–۱–۹۹) شماره سامانه ۲۰۹۹۰۰۷۰۰۰۰۰۰۰۲

شناسه آگهی ۱۰۴۸۵۰۳

نوبت اول

۱-نام مزایده گزار: شرکت توزیع برق فارس به آدرس شیراز خیابان معدل حد فاصل فلسطین و ملاصدرا تلفن ۸۰-۰۷۱۳۲۳۱۹۳۷۴ - تلفن امور تدارکات-۰۷۱۳۲۳۱۷۸۶۹
۲-موضوع مزایده :فروش کالا و لوازم شبکه توزیع نیرو و اموال اسقاط (از قبیل : سیم مسی اسقاط و کابل مسی اسقاط و غیره) موجود در انبار مرکزی شرکت توزیع نیروی برق استان فارس
۳-زمان دریافت اسناد مزایده:در ساعت اداری (از ساعت ۱۰ الی ۱۴/۳۰)از تاریخ ۹۹/۰۹/۰۴ لغایت ۹۹/۰۹/۰۹ به مدت ۵روز کاری
۴_مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد: فیش واریزی به مبلغ ۲۲۰۰۰۰ ریال واریز به حساب جاری شماره ۷۴۸۲۷- ۰۷۸۶۰ بانک تجارت شعبه فلسطین شیراز
۵-آدرس محل دریافت اسناد:دسترسی به اسناد مناقصه از طریق سامانه الکترونیکی تدارکات درسایت www.setadiran.ir وسایر اطلاع رسانی ها از طریق شبکه اطلاع رسانی معاملات توانیر به نشانی www.tavanir.org.ir, شرکت توزیع نیروی برق استان فارس به آدرس www.farsedc.ir و پایگاه ملی مناقصات امکان پذیر می باشد. لازم به ذکر است بارگذاری اسناد از طریق سامانه تدارکات دولت الزامی می باشد.
۶-آدرس محل دریافت پیشنهادها :شیراز خیابان معدل حد فاصل فلسطین و ملاصدرا شرکت توزیع نیروی برق استان فارس - امور تدارکات تلفن ۰۷۱۳۲۳۱۷۸۶۹
۷-زمان تحویل اسناد: ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۹/۲۴ ۸-محل برگزاری مزایده : شرکت توزیع نیروی برق استان فارس-طبقه اول-دفتر معاونت پشتیبانی
۹-زمان بازگشایی پاکات: پیشنهادهای واصله ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۹/۲۴ با حضور اعضاء کمیسیون مزایده باز و قرائت می گردد. به پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط،مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر در بندا آگهی مزایده واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد. ۱۰-ذکر شماره مزایده روی پاکات الزامی بوده و حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه آزاد است.
۱۱-مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۴.۸۳۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال که به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی، چک بانکی تضمین شده در وجه مزایده گزار یا مطالبات بلوکه شده توسط امور مالی این شرکت می باشد که بایستی در پاکت الف قرار گرفته تحویل مزایده گزار گردد. ضمنا تضمین کمتر از مبلغ یاد شده یا سایر موارد (چک شخصی وجه نقد و...) قابل قبول نمی باشد.
۱۲-شرکت توزیع برق فارس در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار می باشد.
۱۳-پرداخت هزینه حمل و کسورات قانونی بعهده برنده مزایده می باشد.
۱۴-سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مزایده مندرج است.

شرکت توزیع نیروی برق استان فارس